



درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۴ دی ۱۳۹۸

مصادف با: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۴۱

جلسه: ۲۰

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط سیزدهم؛ اخلاص

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در مسأله ۵۸۶ بود. با توجه به مختار در این مسأله که عرض شد که قاعده تجاوز عام است و علاوه بر صلاة غیر صلاة را نیز شامل می شود و فقط وضو [به دلیل خاص] از تحت این قاعده خارج می شود، جا ندارد که گفته شود در بدلیت تیمم از وضو، بدل نیز در حکم مبدل منه قرار داده می شود، یعنی صحیح نیست که گفته شود که چون وضو از تحت عنوان قاعده تجاوز خارج است [و شخص باید جزء مشکوک را اعاده کند]، تیمم که بدل از وضو است نیز از تحت این قاعده خارج است.

دو دلیل برای عدم تسری حکم وضو به تیمم بدل از وضو اقامه شده است:

**دلیل اول،** اینکه مجرد بدلیت در الحاق حکم مبدل منه به بدل، کفایت نمی کند چون خروج مبدل منه (وضو) از تحت عنوان قاعده تجاوز به خاطر دلیل خاص است و اگر دلیل خاص نبود، وضو نیز تحت عنوان قاعده تجاوز قرار می گرفت، بنابراین، با دلیل خاص نمی توان حکم [سقوط قاعده تجاوز در وضو] را به بدل (تیمم) نیز سرایت داد و اگر چیزی بدل چیزی دیگر شد، بنا نیست که تمام احکام مبدل منه در بدل نیز جاری شود.

**دلیل دوم،** اینکه عده ای گفته اند که اصلاً بدلیت در رابطه با تیمم معنا ندارد چون روشن است که در این گونه موارد دو تکلیف وجود دارد که یکی وضو است و این تکلیف، مربوط به کسانی که به آب دسترسی دارند (واجد الماء) و شارع از آنها طهارت مائیه را طلب کرده است و دیگری تیمم است و این تکلیف، مربوط به کسانی است که به آب دسترسی ندارند (واجد الماء) یا اگر به آب دسترسی دارند، استعمال آب برای آنها ضرر دارد، بنابراین، موضوع طهارت مائیه، وجدان الماء است و موضوع طهارت ترابیه، فقدان الماء است و اینها دو تکلیف مستقل اند و این گونه نیست که تیمم، بدل از وضو باشد و قائلین به این سخن گفته اند که همان طور که یک تکلیف به عنوان اتمام صلاة است که به شخص حاضر تعلق می گیرد و یک تکلیف نیز به عنوان قصر صلاة می باشد که به شخص مسافر تعلق می گیرد و این دو، دو تکلیف مستقل اند و این گونه نیست که قصر الصلاة بدل از اتمام الصلاة باشد، در بحث مورد نظر نیز تیمم و وضو دو تکلیف مستقل اند و تیمم، بدل از وضو نمی باشد.

به نظر می رسد که دلیل دوم، پذیرفته نیست چون در السنه، تیمم را بدل از وضو می دانند، بنابراین، اینکه گفته شود اصلاً بدلیت در رابطه با تیمم معنا ندارد، صحیح نیست.

**کلام مرحوم شیخ انصاری (ره) مبنی بر الحاق غسل به وضو**

از مرحوم شیخ انصاری (ره) نقل شده است که ایشان فرموده است که شهرت بر الحاق غسل به وضو قائم شده است، یعنی همان گونه که در شک در اثناء در وضو، قاعده تجاوز جاری نمی شود و شخص باید جزء مشکوک را اعاده کند در رابطه با غسل نیز اگر شخص در اثناء غسل، شک کرد، نمی تواند قاعده تجاوز جاری کند، بلکه باید جزء مشکوک را دوباره انجام دهد.

در پاسخ از مرحوم شیخ انصاری (ره) عرض می‌شود که شهرت مذکور، بین قدماء از فقهاء محقق نیست، به علاوه اینکه مرحوم صاحب جواهر (ره) فرموده است که اصلاً قائلی برای الحاق غُسل به وضو وجود ندارد و فقط صاحب ریاض (ره) به این الحاق قائل شده است و از یک نفر، شهرت به دست نمی‌آید.

همچنین، آنچه مرحوم سید (ره) در ذیل مسأله ۵۸۶ نوشته است که احتیاط [مستحب] این است که شک در اثناء در موارد سه‌گانه مذکور [تیمم بدل از وضو، غُسل و تیمم بدل از غُسل] نیز به شک در اثناء وضو ملحق می‌شود [، یعنی باید جزء مشکوک در تیمم و غُسل را اعاده کند]، وجهی ندارد زیرا همان‌طور که سابقاً عرض شد، نظر مختار این است که قاعده تجاوز عام است و شامل صلاة و غیر صلاة می‌شود و فقط وضو [به خاطر وجود دلیل خاص] از دایره این عام خارج است و تحت عنوان قاعده تجاوز قرار نمی‌گیرد لذا احتیاطی که مرحوم سید (ره)، مبنی بر الحاق غُسل و تیمم بدل از غُسل و وضو بیان کرده است وجهی ندارد.

**مسأله ۵۸۷:** «إذا علم بعد الفراغ من الوضوء أنه مسح على الحائل أو مسح في موضع الغسل أو غُسل في موضع المسح و لكن شك في أنه هل كان هناك مسوَّغ لذلك من جبرية أو ضرورة أو تقيّة أو لا، بل فعل ذلك على غير الوجه الشرعي؟ الظاهر الصحة حملاً للفعل على الصحة لقاعدة الفراغ أو غيرها و كذا لو علم أنه مسح بالماء الجديد و لم يعلم أنه من جهة وجود المسوَّغ أو لا و الأحوط الإعادة في الجميع»<sup>۱</sup>.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر شخص بعد از فراغت از وضو، علم پیدا کرد که بر حائل مسح کرده است یا علم پیدا کرد که موضعی را که باید می‌شسته، مسح کرده است یا علم پیدا کرد که موضعی را که باید مسح می‌کرده، شسته است و لكن شك کرد که آیا مجوزی از جبریه یا ضرورت یا تقیّه، برای این امور [که انجام داده است] داشته است یا مجوزی نداشته است، بلکه این امور را بر وجه غیر شرعی انجام داده است؟ ظاهر این است که عملی که انجام داده است، صحیح است از باب اینکه عملی که شخص انجام داده است بر صحت حمل می‌شود و دلیل این حمل بر صحت، قاعده فراغ یا غیر این قاعده [، مثل قاعده تجاوز یا استصحاب صحت] است و همچنین، اگر علم پیدا کرد که با آب جدید [آب غیر وضو] مسح کرده است و نمی‌داند که مسح با آب جدید به خاطر مجوّز بوده است یا به خاطر مجوّز نبوده است و احتیاط [مستحب] این است که در همه صور مذکور، باید وضو را اعاده کند.

سه صورت برای مسأله مذکور، متصور است؛

نکته: همه صور سه‌گانه ذیل یک قدر مشترک دارند و آن، اینکه در صحت موجود شک می‌شود [که مفاد کان ناقصه است]، یعنی وضو در خارج تحقق پیدا کرده است و شخص در صحت وضویی که گرفته است، شک می‌کند.

**صورت اول،** اینکه شخص یقین به تحقق عمل [وضو] مأمور به در خارج دارد، لكن شك دارد که آیا این عمل، یعنی وضویی که گرفته است [به خاطر اخلال در اجزاء یا شرائطش]، صحیح واقع شده است یا صحیح واقع نشده است، به عبارت دیگر، شخص یقین دارد که مأمور به شارع به او تعلق گرفته است و یقین به انجام آن عمل در خارج دارد، لكن شك دارد که آن عمل را به صورت صحیح انجام داده است یا به صورت فاسد انجام داده است.

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۵۲.

اشکال و ایرادی نسبت به جریان قاعده فراغ نسبت به این صورت (صورت اول) نیست، یعنی با جریان قاعده فراغ به صحت عمل انجام شده، حکم می‌شود زیرا شخص مأمور به شارع را اتیان کرده است و بعد از فراغ از عمل در صحت عمل انجام شده شک کرده است که با تمسک به قاعده فراغ به صحت آن عمل حکم می‌شود و یکی از موارد قطعی جریان قاعده فراغ همین صورت است.

**صورت دوم،** اینکه شخص یقین به تحقق عمل در خارج دارد، لکن شک او در صحت موجود است، یعنی شک دارد که آیا این عملی که انجام داده است، به صورت صحیح انجام شده است یا به صورت فاسد انجام شده است، البته شک در این صورت بر خلاف صورت قبل، شک به نسبت به عمل شخص نیست، بلکه شک نسبت به اصل مأمور به است، یعنی شخص شک دارد که آیا مولی به عملی که انجام داده است، امر کرده است و آن عمل، مأمور به مولی بوده است [، یعنی مجوز شرعی برای انجام آن عمل داشته است] یا مأمور به مولی نبوده است، مثلاً در موردی که بر حائل مسح کرده است، شک دارد که آیا آن مسح بر حائل از موارد جبیره است یا از موارد ضرورت است که این شک به این برمی‌گردد که آیا مسح بر حائل با مجوز از طرف مولی صورت گرفته است یا بدون مجوز، صورت گرفته است. پس در این صورت تکلیف فعلی به مکلف تعلق گرفته است، لکن شک در این است که این تکلیف فعلی با مجوز از طرف شارع بوده است یا بدون مجوز بوده است.

مرحوم سید (ره) فرموده است که در این صورت نیز با تمسک به قاعده فراغ به صحت وضوی انجام شده، حکم می‌شود، اما بزرگان دیگری از جمله مرحوم آیت الله خویی (ره) گفته‌اند که در این صورت مجالی برای جریان قاعده فراغ نیست.

**بحث جلسه آینده:** دلیل عدم جریان قاعده فراغ نسبت به صورت دوم، ان شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمین»